



نشر گل واژه
ناشر تخصصی کتاب‌های
کمک آموزشی

کلید

درسنامه

امتحان

آزمون جامع

پاسخ تشریحی

بانک سوالات
امتحانی

۶ اُم

دوره ابتدایی

فارسی

- درسنامه و نکات کلیدی هر درس
- سوالات طبقه‌بندی شده با پاسخ تشریحی
- آزمون جامع نوبت اول و دوم

۱-۶

درس پنجم: هفت خان رستم

درس نامه

بخش ۱ (واژه‌نامه)

درس پنجم	درس پنجم
بر: سینه نیرنگ: فریب، حيله خَم: کمند: گره و پیچ طناب چیره: پیروز جادوآن: جادوگران زبهر: به خاطر دادگر: عادل گُرد: شجاع، دلیر ازدها: موجودی افسانه‌ای	خان: مرحله نبرد: جنگ، پیکار تیغ: شمشیر اهریمنی: شیطانی دیوان: جمع دیو، موجودات خیالی و ترسناک بند: اسارت، زندان، طناب بال: موهای بلند پشت گردن اسب قوی پنجه: زورمند، بسیار توانا می‌دَرَد: پاره می‌کند. تیمار کردن: غمخواری، دلسوزی، رسیدگی نخجیر: حیوان شکار شده، شکار بدین‌سان: به این گونه فرجام: عاقبت کار، پایان کوفتن: کوبیدن دیده: چشم پرخاش: ستیزه‌جویی چاک چاک: پاره پاره سهمگین: ترسناک اهریمن: دشمن، شیطان
بخوان و بیندیش «دوستان همدل»	
غریب: ناآشنا، بیگانه ذوق‌زده: خیلی خوشحال تُندی: خشم، عصبانیت همهمه: سروصدا، شلوغی	

بخش ۲ (کلمات هم خانواده)

کلمات	هم خانواده	کلمات	هم خانواده
مرحله	مراحل - رحلت - اِرتحال	موفقیت	موفق - توافقی - موافق
قوی	مقوی - قُوا - تقویت	نجات	ناجی - مُنجی

بخش ۳ (کلمات متضاد)

بیم ≠ امید	همهمه ≠ سکوت
رهایی ≠ گرفتاری	دستپاچگی ≠ آرامش
چیره ≠ مغلوب	اتحاد ≠ تفرقه

واژگان	نشانه‌ها
تبغ - غریبی - مغازه‌ها	غ غ غ
قوی - موفقیت - قصد - وقت - فرق	ق ق ق
یعنی - تعجب - معلم - علاقه - عده‌ی - عاقبت	ع ع ع
پنجه - حمله - مرحله - نهاده - بریده - دوباره	ه ه ه
تلخیص - صدا - مبصر - صبر - صبح - اصلاً - صندلی - نصیحت	ص ص ص
مرحله - حرکت - حمله - حیاط - حرف - صبح - حالا - حسابی - حس	ح ح ح

بخش ۵ (مفهوم ادبی)

درس پنجم «نثر ساده‌ی امروزی به همراه شعر»

رستم دیوها را از پای در می‌آورد.

معنی: رستم دیوها را شکست می‌دهد.

آرپهای ادبی: «کنایه»، «از پای در می‌آورد» کنایه از «شکست دادن» و «نابود کردن» است.

بار سوم، رخس به تنگ می‌آید و چاره‌ای جز بیدار کردن رستم ندارد.

معنی: دفعه‌ی سوم، رخس (اسب رستم) خسته می‌شود و چاره‌ای جز بیدار کردن رستم از خواب ندارد.

آرپهای ادبی: «کنایه»، به تنگ می‌آید کنایه از خسته شدن، بی‌طاقت و بی‌صبر شدن.

هر بار که رستم دیده می‌گشاید، اژدها در تاریکی فرو می‌رود و از چشم او پنهان می‌شود.

معنی: هر بار که رستم از خواب بیدار می‌شود، اژدها در تاریکی مخفی می‌شود و رستم نمی‌تواند او را ببیند.

آرپهای ادبی: «کنایه»، «دیده گشودن» کنایه از «بیدار شدن» است.

ز سَمَش زمین شد همه، چاک چاک

خروشید و جوشید و بر کند خاک

معنی: زخس سروصدا به پا کرد و با خشم زیاد خاک را کند طوری که بر اثر ضربه‌های سَم او زمین پاره پاره شد.

آرپهای ادبی: «مبالغه»، چاک چاک شدن زمین بر اثر حرکت زخس

فرو ریخت چون رود، خون از برش

بزد تیغ و بنداخت از بر، سرش

معنی: رستم با شمشیر، سر اژدها را از بدنش جدا کرد و خون مانند رودی از بدن اژدها روان شد.

تشبیه: «خون اژدها» به «آب رودخانه»

آرپهای ادبی

مبالغه: در شدت جاری شدن خون اژدها، بزرگ‌نمایی شده است.

سر جادو آورد ناگه به بند

بینداخت چون باد، خم کمند

معنی: رستم با سرعت زیاد طناب را به طرف جادوگر پرتاب کرد و سر او را با ریسمان بست و او را اسیر کرد.

تشبیه: «سرعت عمل رستم» به «سرعت باد»

مبالغه: «در سرعت پرتاب ریسمان»

کنایه: «سر به بند آوردن» کنایه از «اسیر کردن» است.

آرپهای ادبی

دل جادوان زو پُر از بیم کرد

میانش به خنجر به دو نیم کرد

معنی: رستم، با خنجر جادوگر را از کمر نصف کرد و باعث شد تمام جادوگران از این کار وحشت‌زده شوند.

بدو تاخت مانند آذرگشسب

چو رستم بدیدش، برانگیخت اسب

معنی: وقتی رستم، ارژنگ دیو را دید، اسبش را به حرکت درآورد و مانند آتش تند و تیزی به او حمله کرد.

«کنایه»: در شاهنامه «آذرگشسب» به معنای «آتش جهنده» است و کنایه از «هر چیز قابل ستایش» می‌باشد.
«تشبیه»: «رستم» به «آذرگشسب»
«مبالغه»: در «سرعت تاختن رستم»

آرابه‌های ادبی

سر از تن، بگندش به کردار شیر

سر و گوش بگرفت و یالش دلیر

معنی: رستم سر و گوش و یال ارژنگ دیو را گرفت و مثل یک شیر، سر از تنش جدا کرد.

«تشبیه»: «قدرت و زورمندی رستم»، به «شیر جنگل»

آرابه‌های ادبی

«مراعات نظیر»: واژه‌های «سر و گوش»

یکی پاک جای پرستش بجست

ز بهر نیایش، سر و تن بشست

معنی: رستم برای راز و نیاز با خداوند، خودش را شست و جای پاکیزه‌ای را برای عبادت انتخاب کرد.

آرابه‌ی ادبی: «مراعات نظیر»، واژه‌های «سر و تن»

چنین گفت: کای داور دادگرا!

از این پس نهاد از بر خاک، سر

معنی: سپس برای راز و نیاز، سر بر روی خاک گذاشت و گفت: ای خداوند عادل!

آرابه‌ی ادبی: «کنایه»، «سر بر خاک نهادن» کنایه از «راز و نیاز کردن با خدا» است.

تو دادی مرا، گردی و دستگاه

ز هر بد، تویی بندگان را پناه

معنی: تو در برابر هر گونه بدی و اتفاق بد، پناه بندگان خود هستی، تو به من قدرت و زور پهلوانی بخشیده‌ای.

گلشنه

«هفت خان» عبارت‌اند از:

۱. نبرد با شیر
۲. گذشتن از بیابان سخت
۳. نبرد با اژدها
۴. نبرد با جادوگر
۵. نبرد با اولاد دیو
۶. نبرد با ارژنگ دیو
۷. نبرد با دیو سپید

بخش ۶ (درک مطلب)

درس پنجم: مبارزه، وطن‌پرستی و دلاوری و فداکاری حتی در شرایط سخت برای حفظ وطن.
 بخوان و بیندیش «دوستان همدل»: مهم نیست اهل کجا هستیم و به چه زبانی با دیگران صحبت می‌کنیم؛ مهم داشتن احساس مشترک و مهربانی و درک متقابل است. پس باید در زندگی عاقلانه رفتار کنیم.

بخش ۷ (دانش زبانی - واژه آموزی)

یادآوری: شما با برخی از آرایه‌های ادبی مانند، تشبیه، استعاره و... در سال‌های قبل آشنا شده‌اید و می‌دانید آرایه‌های ادبی باعث تأثیرگذاری بیشتر متون ادبی (نظم و نثر) و البته غنی‌تر شدن زبان فارسی می‌شوند. در ادامه با دو آرایه‌ی ادبی دیگر بیشتر آشنا می‌شویم.
 ۱. **مبالغه:** گاهی شاعران و نویسندگان برای افزایش تأثیر و قدرت سخن خود، اتفاقات را بسیار بیشتر و بزرگ‌تر از آنچه که هستند؛ توصیف و بیان می‌کنند. به این‌گونه بزرگ‌نمایی‌ها در بیان حوادث، «مبالغه» می‌گویند.

مثال

که گفتت برو دست رستم ببند

نبندد مرا دست، چرخ بلند

شاعر در این بیت درباره‌ی قدرت و نیروی بسیار زیاد رستم، بزرگ‌نمایی کرده است. بدین معنا که روزگار هم نمی‌تواند رستم را اسیر کند.
۲. کنایه: «کنایه» در لغت به معنای «پوشیده سخن گفتن» است و در اصطلاح ادبی، به جمله‌ای گفته می‌شود که یک معنای ظاهری (نزدیک) و یک معنای پنهانی (دور) دارد که هدف اصلی نویسنده و شاعر، معنای پنهانی (دور) سخن می‌باشد.

مثال «هفت خان رستم»

معنای نزدیک: هفت مرحله که رستم باید بگذارند.

معنای دور: کنایه از هفت مرحله‌ی سخت و دشواری که رستم باید از آن‌ها عبور کند. «اهداف اصلی شاعر و نویسنده»

مثال «از کوره در رفتن»

معنای نزدیک: از کوره فرار کردن و بیرون آمدن.

معنای دور: کنایه از خشمگین شدن و عصبانیت شدید

گفتار

بعضی از کلمات با واژه‌های «گزار» و «گذار» ترکیب می‌شوند. توجه داشته باشید کلماتی که با «گزار» ترکیب شده‌اند به معنای: انجام کاری هستند؛ اما کلمات ترکیب شده با «گذار» به معنای: ایجاد کردن و قرار دادن چیزی هستند.

حروف ربط: حروفی که با استفاده از آن‌ها می‌توان جمله‌های ساده را به هم پیوند داد و یا آن‌ها را به جمله‌های مرکب تبدیل کرد «حروف ربط» می‌گویند.

حروف ربط پرکاربرد

از میان پرکاربردترین حروف ربط فارسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

حروف ربط هم پایه ساز	واژگان
اما، چه، خواه، یا، ولی، و، هم، نه، لیکن و ...	اگر، پس، تا، چون، باری، زیرا، که، چون‌که، بنابراین، با آنکه، هر چند، همین که و ...

بخش ۸ (تاریخ ادبیات)

حکیم ابوالقاسم فردوسی: یکی از بزرگ‌ترین شاعران ایران زمین که «شاهنامه» اثر منظوم این شاعر شامل: پنجاه هزار بیت است و درباره‌ی پهلوانان ایران زمین می‌باشد. سرودن این کتاب حدود سی سال طول کشیده است و یکی از شخصیت اصلی داستان‌های شاهنامه «رستم» می‌باشد.
 محمدرضا سرشار (رهگذر): منتقد و پژوهشگر معاصر و نویسنده‌ی داستان «دوستان همدل» از مجموعه داستانی «جایزه» می‌باشد.

درست یا نادرست بودن جمله‌های زیر را به ترتیب مشخص کنید.																					
۱. مترادف کلمه‌های «دادگر» و «فرجام»، «عادل» و «شجاع» است.	درست ☐ نادرست ☐																				
۲. بهره‌گیری از حس‌های پنج‌گانه برای این که نویسنده‌ی خوبی باشیم، بسیار لازم است.	درست ☐ نادرست ☐																				
۳. هرگاه واژه‌ی «بنابراین» میان دو جمله بیاید، «علّت و سبب و دلیل» را بازگو می‌کند.	درست ☐ نادرست ☐																				
جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.																					
۴. شاهنامه‌ی فردوسی اثر می‌باشد که شامل بیت است.																					
۵. خان اوّل و خان هفتم رستم به ترتیب نبرد و است.																					
۶. از هم خانواده‌های کلمه‌ی «قوی» و هستند.																					
به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.																					
۷. «هفت خان رستم» کنایه از چیست؟																					
۸. معنای نزدیک و دور «دیده‌گشود» چیست؟																					
۹. به کمک کدام حسّ خود برای تقویت نویسندگی، پدیده‌ها و اشیا را می‌شناسیم؟																					
مفهوم ادبی هر بخش را بنویسید.																					
۱۰. پس از نخجیر به خواب می‌رود و بدین‌سان، خان دوم را نیز با موفقیت به فرجام می‌برد.																					
۱۱. از آن پس نهاد از بر خاک، سر / چنین گفت کای داور دادگر																					
۱۲. جدول زیر را با توجه به شکل صحیح «گزار» یا «گذار» برای هر واژه کامل کنید.																					
<table><tr><th>واژه</th><th>گزار یا گذار</th><th>واژه</th><th>گزار یا گذار</th></tr><tr><td>۱. قانون</td><td></td><td>۴. نماز</td><td></td></tr><tr><td>۲. خواب</td><td></td><td>۵. بنیان</td><td></td></tr><tr><td>۳. سپاس</td><td></td><td>۶. تخم</td><td></td></tr></table>	واژه	گزار یا گذار	واژه	گزار یا گذار	۱. قانون		۴. نماز		۲. خواب		۵. بنیان		۳. سپاس		۶. تخم						
واژه	گزار یا گذار	واژه	گزار یا گذار																		
۱. قانون		۴. نماز																			
۲. خواب		۵. بنیان																			
۳. سپاس		۶. تخم																			
۱۳. شبکه‌ی کلمات زیر را مانند نمونه و با توجه به قسمت دوم آن‌ها درست کامل کنید.																					
سپاه خود رابط																					
۱۴. متضاد کلمه‌های زیر را به یکدیگر وصل کنید.																					
<table><tr><td>دشوار</td><td>فرجام</td><td>بیم</td><td>سبکی</td><td>حمله</td></tr><tr><td>☐</td><td>☐</td><td>☐</td><td>☐</td><td>☐</td></tr><tr><td>☐</td><td>☐</td><td>☐</td><td>☐</td><td>☐</td></tr><tr><td>امید</td><td>دفاع</td><td>سنگینی</td><td>آسان</td><td>آغاز</td></tr></table>	دشوار	فرجام	بیم	سبکی	حمله	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	امید	دفاع	سنگینی	آسان	آغاز	
دشوار	فرجام	بیم	سبکی	حمله																	
☐	☐	☐	☐	☐																	
☐	☐	☐	☐	☐																	
امید	دفاع	سنگینی	آسان	آغاز																	
غلط‌های املائی متن زیر را پیدا کنید و شکل صحیح آن‌ها را بنویسید.																					
۱۵. هنگامی که کیکاوس، پادشاه ایرانی با شماری از بزرگان سپاه خد در چنگ دیوان مازندران گرفتار شد. رستم در این زمان به سوی مازندران حرکت می‌کند تا آنان را از بند رحایی دهد. در این نبردها، رستم به کمک رخس با شیر و ازدها پی کار می‌کند؛ دیوها را از پای در می‌آورد و بر جادگران، پیروز می‌شود.																					

۱۶.	حروف ربط را در متن زیر پیدا کرده و دور آن‌ها خط‌ها بکشید. حاکمی را خبر دادند درختی عجیب در هندوستان است که اگر کسی میوه‌ی آن را بخورد، هرگز پیر نمی‌شود. یکی از نزدیکان حاکم پس از جست‌وجو نتیجه‌ای نگرفت و بازگشت اما پیش از برگشت با آنکه ناامید بود، با دانشمندی روبه‌رو شد که به او پاسخ داد: «این درخت، همان درخت «علم» است.
۱۷.	در هر یک از ابیات زیر «ردیف» و «قافیه» را پیدا کنید و آن‌ها را مشخص کنید.
۱۸.	میان‌ش به خنجر به دو نیم کرد / دل جادوان زو پُر از بیم کرد سروگوش بگرفت و یالش دلیر / سر از تن، بگندش به کردار شیر
۱۹.	با توجه به معنای اصلی ضرب‌المثل «نوش‌دارو پس از مرگ سهراب» متن مناسبی در ۸ سطر با رعایت علائم نگارشی نوشته و در قسمت نتیجه‌گیری، دلیل آن را بیان کنید.
۲۰.	سؤالات چهار گزینه‌ای عبارت «به تنگ آمدن» کنایه از چیست؟ الف) شکست دادن ب) به ستوه آمدن پ) بی‌صبر شدن ت) به ستوه آمدن و بی‌صبر شدن
۲۱.	هنگامی که میان دو جمله واژه‌ی «بنابراین» می‌آید؛ بازگوکننده‌ی چه چیزی می‌باشد؟ الف) بیان معنای نزدیک ب) بیان معنای دور پ) بیان ربط جمله‌ها ت) بیان علت و سبب
۲۲.	در بیت «بزد تیغ و بنداخت از بَر، سَرش / فرو ریخت چون رود، خون از بَرش» کدام آرایه‌های ادبی به کار رفته است؟ الف) تشبیه و مبالغه ب) تشبیه و کنایه پ) تشبیه و استعاره ت) تشبیه و تضاد
۲۳.	در میان گروه کلمات زیر، چند غلط املایی وجود دارد؟ قصد فریب – تلخیص و بازنویسی – دیده‌گان می‌گشاید – بهر نیایش – نبردی صهمگین – خترناک – خوروشید الف) ۳ ب) ۴ پ) ۵ ت) ۶
۲۴.	کدام یک از کلمات زیر «جمع» نیست؟ الف) دیوان ب) جادوگران پ) بندگان ت) یزدان
۲۵.	بیت «بنداخت چون باد، خَمَ کمند / سر جادو آورد ناگه به بند» مربوط به کدام مرحله از هفت خان رستم می‌باشد؟ الف) خان چهارم ب) خان سوم پ) خان پنجم ت) خان دوم

درس ششم: ای وطن

درسنامه

بخش ۱ (واژه‌نامه)

حکایت «انواع مردم»	درس ششم
بدان: آگاهی داشته باش چون: مثل، مانند ولیکن: ولی، اقا رها: آزاد	مایه: باعث، دلیل، مقدار و اندازه جاودانه: همیشگی، ابدی صادقانه، از روی راستی و صداقت، به درستی جان‌پناه: پناهگاه، سرپناه رویش: رشد کردن، روییدن بهاران: فصل بهار غرور: احساس سربلندی و افتخار

بخش ۲ (کلمات هم خانواده)

کلمات	هم خانواده	کلمات	هم خانواده
دلیل	دلایل - استدلال	عاشق	عشق - معشوق
سلام	سلامت - اسلام - مسلمان	صادقانه	صادق - صداقت - تصدیق
مثال	مثال - تمثیل - امثال	غذا	تغذیه - مُغذی
عطر	معطر - عطاری - عطار	لازم	ملزوم - لزوم - إلزام

بخش ۳ (کلمات متضاد)

آزادی ≠ اسارت	غصه ≠ شادی
بلندی ≠ پستی	بیماری ≠ سلامتی

بخش ۴ (واژگان مهم املائی)

نشانها	واژگان
غ غ غ غ	غم - غصه‌هایی - غرور - غذا - غزالی
ق ق	قناری - قهرمان - قصه‌ها - صادقانه
ع ع ع ع	شعر - عاشق - انواع
ص ص	غصه‌هایی - صبر - صادقانه
ض ض	بعضی
ح ح	حافظ - حکایت - تحمّل - حامد - حُبّ

درس ششم «نظم»

ای سلامم، ای سرودم ای نگهبان وجودم ای غمم تو، شادی‌ام تو مایه‌ی آزادی‌ام تو... ای وطن!

معنی: ای وطن، تو سلام، درود، شعر و سرود من هستی؛ تو محافظ من هستی و غم و شادی من به غم و شادی تو وابسته است؛ وجود تو باعث آزادی من است.

مفهوم ادبی: وابسته بودن غم و شادی مردم به اوضاع وطن خود.

ای دلیل زنده بودن ای سرودی صادقانه ای دلیل زنده ماندن جان‌پناهی جاودانه... ای وطن!

معنی: ای وطن، تو دلیل زندگی من هستی؛ تو مانند یک شعر صادقانه و صمیمی دلنشین هستی و زنده ماندن من به زنده ماندن تو وابسته است چون تو پناهگاه امن همیشگی من هستی.

مفهوم ادبی: وابسته بودن زندگی هر کس به آزادی و آبادی وطن خود.

همچو رویش در بهاران همچو جان در هر بدن مثل بوی عطر گل‌ها مثل سبزی چمن... ای وطن!

معنی: ای وطن، تو مانند رویدن گل‌ها و گیاهان در فصل بهار و مانند جان درون هر بدن زنده هستی و به همه زندگی می‌بخشی. تو مثل بوی عطر گل‌ها دوست‌داشتنی و مثل سبزی چمن دلنشین و شاداب هستی.

مفهوم ادبی: زیبایی‌های وطن خاص هستند.

مثل راز شعر حافظ مثل آواز قناری همچو یاد خوش‌ترین‌ها همچو باران بهاری... ای وطن!

معنی: ای وطن، تو مثل راز فال حافظ، اسرارآمیز هستی، مثل آواز قناری، دلنشین و مانند خاطره‌ی بهترین اتفاقات، خوش و به یادماندنی هستی و مثل باران بهاری، حس تازگی و شادابی، به همراه داری.

مفهوم ادبی: بیان زیبایی‌های خاص وطن

مثل غم در مرگ مادر مثل کوه غصه‌هایی مثل سربازان عاشق قهرمان قصه‌هایی... ای وطن!

معنی: ای وطن، غم تو مانند غم از دست دادن مادر، مانند کوهی از اندوه است و مانند سربازان عاشق میهن، قهرمان قصه‌های ملت ما هستی.

مفهوم ادبی: ویژگی‌های میهن در برابر مردمان خود.

همچو آواز بلندی از بلندی‌های پاک با غروری، با گذشتی باوفایی همچو خاک... ای وطن!

معنی: ای وطن، تو مثل آوازی با صدای بلند و رسا هستی که بر فراز بلندی‌ها خوانده می‌شود و سربلند و فداکار هستی و مانند خاک سرزمین خود، باوفایی.

مفهوم ادبی: وفاداری و فداکاری وطن

همچو آواز بلندی از بلندی‌های پاک با غروری، با گذشتی باوفایی همچو خاک... ای وطن!

معنی: ای وطن، تو مثل آوازی با صدای بلند و رسا هستی که بر فراز بلندی‌ها خوانده می‌شود و سربلند و فداکار هستی و مانند خاک سرزمین خود، باوفایی.

مفهوم ادبی: وفاداری و فداکاری وطن

حکایت «انواع مردم»، «نثر ساده‌ی امروزی»

آرابه‌ی ادبی: «تشبیه»، گروه‌های گوناگون مردم به «غذا»، «دارو» و «بیماری»

بخوان و حفظ کن: «همه از خاک پاک ایرانیم»، «قالب شعری: غزل»

مهربان، همچو جسم با جانیم

همه با هم برادر وطنیم

معنی: برادر بودن همه‌ی اهل یک سرزمین مانند جسم و جان که به هم وابسته هستند.

«تشبیه»: «رابطه‌ی ایرانیان» در صمیمیت و همدلی به «رابطه‌ی جسم و جان»

آرابه‌های ادبی

«مراعات نظر»: واژه‌های «جسم و جان»

درس حب الوطن، همی خوانیم

شکر داریم کز طفولیت

معنی: خدا را شکر می‌کنیم که از کودکی درس میهن‌دوستی را آموخته‌ایم.

آرابه‌ی ادبی: «تشبیه»، «حب الوطن» به «درس».

بخش ۶ (درک مطلب)

درس ششم: وطن ما با همه‌ی زیبایی‌ها و ویژگی‌های خاص خود برای ما مقدس است. به همین دلیل باید آن را گرامی بداریم.

با توجه به متن حکایت «انواع مردم»:

۱. وجود بعضی از آدم‌ها در زندگی ضروری و لازم است.

۲. بعضی از مردم نیز در درس‌ساز هستند و وجودشان هرگز فایده‌ای برای ما ندارد.

بخوان و حفظ کن: «همه از خاک پاک ایرانیم» ملت ایران گرامی‌تر و ارجمندتر از همه‌ی ملت‌ها هستند چون میهن خود را دوست دارند و جان خود را فدای آن می‌کنند.

بخش ۷ (دانش زبانی - واژه آموزی)

در زبان فارسی، هنگامی که کسی یا چیزی را مخاطب خود قرار می‌دهیم، به آن «منادا» می‌گوییم.

همچنین، منادا به تنهایی می‌تواند یک جمله باشد و ممکن است گاهی منادا بدون حرف ندا بیاید (حذف شده باشد) یا گاهی حرف ندا وجود دارد، ولی منادا حذف شده است.

«منادا» در زبان فارسی، دو قسمت دارد:

۱. منادا: کسی یا چیزی که مخاطب قرار می‌گیرد.

۲. حرف «ندا»: که عبارت است از: «ای، یا، آی» قبل از اسم و «آ» «الف» که پس از اسم می‌آیند.

مثال

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

منادا حرف ندا (۱)

یا علی، نامت همیشه بر زبان‌ها خواهد بود.

حرف ندا منادا

سعدیا، مرد نکونام نمیرد هرگز

منادا حرف ندا (۱)

رضا، با من صحبت کن.

منادا (حرف ندا «ای» حذف شده است.)

ای یاد تو مونس روانم.

حرف ندا (منادا «فدا» حذف شده است.)

نادر ابراهیمی: نویسنده و سینماگر معاصر، نویسنده‌ی مجموعه‌های «کلاغ‌ها و سنجاب»، «دور از خانه»، «قصه‌های ریحانه خانم»، «قصه‌های سار و سیب» و «نوسازی حکایت‌های خوب قدیم برای کودکان» را در مورد کودکان و نوجوانان نوشته است. زندگی ایشان در سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۱۵ بوده است. ایشان پس از انقلاب، زندگی امام خمینی را با نام «سه دیدار با مردی که از فراسوی باور آمد» نوشت. محمد غزالی: از دانشمندان و عالمان قرن پنجم در دوره‌ی سلجوقی است. وی در فقه و کلام و حکمت، سرآمد بود. پدرش مردی بافنده بود و برخی لقب غزالی را به خاطر پیشه‌ی او می‌دانند. از آثار او: «کیمیای سعادت»، «نصیحة‌الملوک» و «احیاء علوم الدین» می‌باشند. ایرج میرزا: شاعر دربار قاجار که از نوادگان فتحعلی‌شاه قاجار بود و در شهر تبریز متولد شد، آثار او: شعرهای ساده و روان هستند.

سوالات امتحانی درس ششم

۶

درست یا نادرست بودن جمله‌های زیر را مشخص کنید.							
۱. بعضی از مردم مانند بیماری هستند و باعث گرفتاری می‌شوند.	درست ☐ نادرست ☐						
۲. «کیمیای سعادت» از آثار محمد غزالی است.	درست ☐ نادرست ☐						
۳. واژه‌های «بهاران، گل‌ها، آزادی» هم قافیه و هم آهنگ هستند.	درست ☐ نادرست ☐						
جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.							
۴. مفرد کلمه‌های «انواع» و «اشعار» به ترتیب و هستند.							
۵. متضاد کلمه‌ی «رها» است.							
۶. در جمله‌ی «ای وطن! مایه‌ی آزادی‌ام تو» منادا و نشانه‌ی ندا است.							
به سوالات زیر پاسخ دهید.							
۷. شاعر شعر «همه از خاک پاک ایرانیم» چه کسی است؟							
۸. مترادف کلمه‌ی «حُب الوطن» چیست؟							
۹. اشرف و انجب تمام ملل در شعر «همه از خاک پاک ایرانیم» چه کسانی هستند؟							
مفهوم ادبی هر بخش را بنویسید.							
۱۰. مثل راز شعر حافظ، مثل آواز قناری، همچو یاد خوش‌ترین‌ها، همچو باران بهاری ... ای وطن!							
۱۱. بعضی چون غذا هستند که وجودشان برای ما لازم است.							
جدول زیر را با توجه به ویژگی‌های تشبیه کامل کنید.							
<table><tr><th>عبارات</th><th>مشبّه</th><th>مشبّه‌به</th></tr><tr><td>۱. غصه‌ها همچون کوه شده‌اند. ۲. سربازان مانند گل‌های لاله‌اند. ۳. وطن مانند سبزی چمن زیباست.</td><td></td><td></td></tr></table>		عبارات	مشبّه	مشبّه‌به	۱. غصه‌ها همچون کوه شده‌اند. ۲. سربازان مانند گل‌های لاله‌اند. ۳. وطن مانند سبزی چمن زیباست.		
عبارات	مشبّه	مشبّه‌به					
۱. غصه‌ها همچون کوه شده‌اند. ۲. سربازان مانند گل‌های لاله‌اند. ۳. وطن مانند سبزی چمن زیباست.							
۱۳. شبکه‌ی مفهومی زیر را کامل کنید.							
(الف) وطن (ب) آواز							

۱۴.	هم‌خانواده‌ی کلمات زیر را به یکدیگر وصل کنید.	<table><tr><td>عطر</td><td>صادقانه</td><td>حافظ</td><td>لازم</td><td>غم</td></tr><tr><td>☐</td><td>☐</td><td>☐</td><td>☐</td><td>☐</td></tr><tr><td>حفظ</td><td>غمگین</td><td>عطار</td><td>صداقت</td><td>لزوم</td></tr><tr><td>☐</td><td>☐</td><td>☐</td><td>☐</td><td>☐</td></tr></table>	عطر	صادقانه	حافظ	لازم	غم	☐	☐	☐	☐	☐	حفظ	غمگین	عطار	صداقت	لزوم	☐	☐	☐	☐	☐
عطر	صادقانه	حافظ	لازم	غم																		
☐	☐	☐	☐	☐																		
حفظ	غمگین	عطار	صداقت	لزوم																		
☐	☐	☐	☐	☐																		
۱۵.	غلط‌های املائی را پیدا کنید و شکل صحیح کلمات را بنویسید. ای سرورود صادقانه، مثل بوی عتر گل‌ها، قهرمان قصه‌ها، با قروری، با گزشتی، ای دلیل زنده بودن، آواز قناری، سبر و تحمّل																					
۱۶.	نوع جمله‌های زیر را با توجه به زمان خواسته شده تغییر داده و جمله‌ی جدید را بنویسید. ما هرگز به برخی مردم نیاز نداریم. (آینده)																					
۱۷.	سربازان، قهرمانان قصه‌های ملّی ما هستند. (گذشته)																					
۱۸.	ادات تشبیه را از میان متن زیر پیدا کنید و آن‌ها را مشخص کنید. همچو آواز بلندی، از بلندی‌های پاک، با غروری، باگذشتی، با وفایی همچو خاک، مثل راز شعر حافظ، مثل آواز قناری، همچو یاد خوش‌ترین‌ها، همچو باران بهاری، مانند غذا و دارو																					
۱۹.	با توجه به ضرب‌المثل «با دوستان مروّت با دشمنان مدارا» در چند سطر با رعایت علائم نگارشی بنویسید که در آن از آرایه‌ی «تشبیه» نیز استفاده کرده باشید.																					
۲۰.	سؤالات چهار گزینه‌ای در کدام یک از عبارت‌های زیر، «منادا» کار نرفته است؟ الف) ای سلامم، ای نگهبان وجودم پ) همچو باران بهاری، جان در بدنی منادا و حرف ندا در عبارت «ای یاد تو مونس روانم، جز نام تو نیست بر زبانم» در کدام گزینه آمده است؟ الف) ای، خدا پ) ای، کتاب مردمی که مثل دارو هستند کدام ویژگی را دارند؟ الف) زندگی بدون آن‌ها امکان‌پذیر نیست. پ) باعث گرفتاری و دردسر ما می‌شوند.																					
۲۱.																						
۲۲.																						
۲۳.	پس از منادا و بین واژه‌های هم‌پایه اغلب از کدام علامت نگارشی زیر استفاده می‌کنیم؟ الف) : پ) ؛ ت) ،																					
۲۴.	در عبارت «همچو رویش در بهاران / همچو جان در هر بدن / مثل بوی عطر گل‌ها / مثل سبزی ای وطن!» کدام آرایه‌ی ادبی به کار نرفته است؟ الف) تشخیص پ) مراعات نظیر ت) تشبیه جمله‌ی «بدان که مردم سه جنس‌اند: بعضی چون غذا هستند که وجودشان برای ما لازم است.» چند جمله دارد؟ الف) چهار جمله پ) پنج جمله ت) دو جمله																					
۲۵.																						

درس هشتم: دریاقلی

درس نامه.

بخش ۱ (واژه‌نامه)

درس هشتم	درس هشتم
مقابله: مبارزه، رویارویی نابرابر: نامساوی ناکام: محروم، بی‌نصیب تلفات: هلاک، مرگ و میر، نابود شده‌ها ناگوار: سخت، ناخوشایند، غیرقابل تحمل	جان‌فشانی: فدا کردن جان محدود: اندک، دارای مرز مشخص جوامع: جمع جامعه ارج: ارزش، مقام دلاور: شجاع، دلیر چله: نخ کمان، زه نام‌آوران: افراد مشهور و معروف فرسوده: کهنه بعثی: نیروهای ارتش عراق در زمان صدام غافلگیر کردن: بی‌خبر حمله کردن، اقدام ناگهانی محاصره: اطراف کسی یا جایی را احاطه کردن إشغال: جایی را تصرف کردن دیار: شهر همت: قصد، اراده‌ی قوی تن به تن: نفر به نفر آلکن: کسی که هنگام صحبت زبانش گیر می‌کند. خروشان: پُر صدا، پُر خروش مدافعان: جمع دفاع‌کننده، مدافع نفوذ: اثر کردن
بخوان و ببیندیش «تندگویان»	
خاندان: تبار، خانواده زینت: زیبایی، آرایش ساعی: کوشا، بسیار پُر تلاش متدین: دین‌دار انتشار: پراکنده شدن، گسترش یافتن چیزی تبعید: دور کردن، (نوعی مجازات) جرم: گناه تلاوت: قرائت قرآن، خواندن دژخیمان: دشمنان تحقق: به حقیقت پیوستن ایثار: از خودگذشتگی مدعیان: ادعاکنندگان دربند: اسیر، زندانی ریشخند کردن: مسخره کردن	

بخش ۲ (کلمات هم خانواده)

کلمات	هم خانواده	کلمات	هم خانواده
تصمیم	تصمیمات، مُصمّم	مقابله	مقابل، مقابل، تقابل
دفاع	مدافع، دفعه، دافعه	حضور	حاضر، محضّر، إحضار
شغل	شاغل، مشغول، إشغال	وسعت	وسیع، توسعه
تلفظ	لفظ، لَفَاطی، الفاظ	نفوذ	منافذ، منفذ، نافذ
مانع	ممنوع، مُمانعت	مزار	زائر، زیارت
انتقال	منتقل، نقلیه	تأسیس	مؤسس، اساس، مؤسسه
عقب	عاقبت، تعقیب	مدعی	ادّعا، دعوی، دعاوی
جوامع	جمعیت، تجمع، مجمع، جمع	خرج	خارج، إخراج، خروج
سقوط	ساقط، اسقاط	تشویق	مشوّق، اشتیاق، مشتاق
محاصره	محصور، حصار	متدین	دین، تَدِین، دیانت
تحملی	احتمال، محتمل، تحمل	تکلیف	مکلف، تکلف

بخش ۳ (کلمات متضاد)

کامل ≠ ناقص	ناگوار ≠ خوشایند
تردید ≠ اطمینان	جنوب ≠ شمال
ناکام ≠ کامیاب	محبوب ≠ منفور
مدافع ≠ مهاجم	ساعی ≠ تنبل
الکن ≠ گویا	کهن ≠ نو، جدید

بخش ۴ (واژگان مهم املائی)

نشانه‌ها	واژگان
غ غ غ غ	شغل - غافلگیر - إشغال - غریبانه - غربی - بغداد
ق ق	دریاقلی - موقع - قلّه‌ی - مقدّس - سقوط - اوراق - ذوالفقاری - مقابله - عقب - اتفاقات
ع ع ع ع	وسعت - یا علی - بعثی - جمعی - موقع - عملیات - عقب - مصراع - اعلامیه
ه ه	خاطره - پرورنده - فرسوده - محاصره - خمپاره
ص ص	صدا - محاصره - مصراع - تصمیم - صحنه
ح ح	محدود - حفظ - تحمیلی - محاصره - حاشیه‌ی - محمّدرضا - حافظه - محله - حکومت - بی‌رحمانه - تحصیل - محبوب - حضور

بخش ۵ (مفهوم ادبی)

درس هشتم «نثر ساده‌ی امروزی»

چشم انتظار همت تو، دین و میهن است

دریاقلی! رکاب بزن، یا علی بگو

معنی: دریاقلی! یا علی بگو و به سرعت حرکت کن زیرا دین اسلام و سرزمین ایران در انتظار تلاش و اراده‌ی تو هستند تا کاری انجام دهی.

- «نشیمن»: چشم انتظار بودن دین و میهن
- «کنایه ۱»: «چشم انتظار بودن» کنایه از «انتظار کشیدن است».
- «کنایه ۲»: «یا علی گفتن» کنایه از «اقدام برای انجام کاری» است.

آرابه‌های ادبی: «کتاب»

کلمات «دریاقلی!» و «یا علی» منادا و دارای نشانه‌ی ندا هستند.

کلمه

میدان جنگ تن به تن و تانک با تن است

فردا اگر درنگ کنی، کوچه‌های شهر

معنی: اگر صبر کنی و غفلت کنی، فردا در کوچه‌های شهر، جنگ نفر به نفر و افراد پیاده با تانک‌ها اتفاق خواهد افتاد که باعث کشته شدن مردم می‌شود.

آرابه‌ی ادبی: «تکرار» واژه‌ی «تن»

تکلیف شهر خاطره‌های تو، روشن است

از راه اگر بمانی و روشن شود هوا

معنی: اگر در راه به مقصد نرسی و صبح شود، مشخص است که بر سر شهری که از آن خاطره‌های بسیار داری چه می‌آید و چگونه از بین خواهد رفت.

۱. «از راه ماندن» کنایه از «به مقصد نرسیدن» است.
۲. «روشن شدن هوا» کنایه از «روشن شدن تکلیف کسی یا موقعیتی» است.
۳. «روشن است» کنایه از «واضح و مشخص بودن چیزی» است.

آرابه‌های ادبی: «کتاب»